

ژورنال

شماره ۶۹۷

۶ آوریل ۲۰۲۴ - ۱۸ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

حمله جیش‌العدل و درماندگی رژیم

حمید تقوایی

اقتصادِ رژیم فاسد

فاتح بهرامی

عفو بین‌الملل: زندان‌های ایران محل کشتار جمعی است!

حسن صالحی

هنر، مبارزه، زندگی

سینا پدرام

کبوترهای زندان

یاشار سهندی

حمله جیش العدل و در ماندگی رژیم

حمید تقوایی

حمله مسلحانه گروه جیش العدل به پایگاه‌های نظامی جمهوری اسلامی در خاک ایران به یک موضوع داغ رسانه‌ها و مدیای اجتماعی تبدیل شده است. بنا به گزارش‌ها این حمله‌ای گسترده و از پیش سازماندهی شده به مقرهای نظامی و انتظامی در شهرهای راسک و چابهار و سرباز بوده است و بیش از ۱۲ ساعت ادامه داشته است. در این حمله به ادعای رژیم ۱۰ نفر، و به ادعای جیش العدل ۲۰۰ نفر از نیروهای حکومتی کشته شده‌اند.

جیش‌العدل یک نیروی اسلامی با ادعای دفاع از حقوق مردم سیستان و بلوچستان است و جمهوری اسلامی (به همراه دولت‌های آمریکا و ژاپن و نیوزیلند) آنرا یک نیروی تروریستی می‌دانند؛ اما اهمیت و جایگاه این رویداد در ادعاهای طرفین و نفس حمله مسلحانه یک نیروی اسلامی به یک حکومت اسلامی نیست؛ بلکه در تأثیرات و نتایج آن بر شرایط سیاسی در ایران و رابطه مردم سیستان و بلوچستان و کل مردم ایران با جمهوری اسلامی است.

جامعه ایران بیش از یک سال و نیم است که برای بزیر کشیدن حکومت پیاخته است و با زندان و شکنجه و کشتار و اعدام و شلیک به چشم‌ها و

حمله شیمیائی به مدارس و جمعه سیاه زاهدان و کشتار معترضین در خیابان‌ها و اعدام‌های بیسابقه و بازداشت و شکنجه آزادیخواهان و هنرمندان و شریف‌ترین مردم ایران پاسخ گرفته است. هر ضربه‌ای به نیروهای سرکوبگر نظامی و انتظامی این حکومت عملاً صفوف مردم پیاخاسته را تقویت می‌کند.

از نقطه نظر موقعیت منطقه‌ای رژیم نیز این رویداد ضربه‌ای به جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی مدعی قدر قدرتی در منطقه است و هر چه موقعیت داخلی‌اش ضعیف‌تر می‌شود بیشتر بر طبل ادعاهای منطقه‌ایش در مقابله با آمریکا و اسرائیل می‌کوبد. حمله اخیر،

بدنبال حملات دولت اسرائیل و کشته شدن چند تن از بالاترین سرداران و فرماندهان نظامی سپاه در سوریه در ماههای اخیر، پوچی و توخالی بودن این رجزخوانی‌های منطقه‌ای را بیش‌ازپیش برملا می‌کند. مردم جان‌به‌لب رسیده سیستان و بلوچستان و مردم سراسر ایران در این مقابله نظامی ضعف و درماندگی حکومتی را می‌بینند که حتی قادر به محافظت از پایگاه‌های نظامی‌اش در خودِ ایران هم نیست. این امر فضای سیاسی و اعتراضی در جامعه را به نفع صفوف مردم و به ضرر جانیان حاکم یک گام دیگر بجلو سوق می‌دهد.

نباید اجازه داد این نوع عملیات هیچ نوع توهمی

به نیروی اسلامی نظیر جیش‌العدل، که متعلق به شاخه سنی جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی است، ایجاد کند. درعین‌حال باید با هر نوع تلاش حکومت برای نظامی و امنیتی کردن بیشتر شهرهای سیستان و بلوچستان به این بهانه مقابله کرد. باید تلاش کرد تا این نوع رویدادها به رادیکالیزه شدن و تقویت و تعرض هر چه بیشتر صفوف انقلاب علیه جمهوری اسلامی منجر شود.

شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

۶ آوریل ۲۰۲۴

اقتصادِ رژیمِ فاسد

فاتح بهرامی

گزارشی درباره "اقتصاد ایران" در سال گذشته توسط بی بی سی منتشر شده که درباره تورم و گرانی و سقوط ارزش ریال و غیره آمار و ارقام و نکاتی را از جانب نهادها و عوامل حکومت نقل میکند و اشاره دارد که "دولت تلاش کرد تا اوضاع را بهتر کند، ولی تا یک مشکل را حل نکرده، دردسر تازه ای پیدا شد.

"بله، از جمله تلاشهای دولت برای "بهبود اوضاع" باید به ابعاد و اشکال مختلف سرکوب کارگران و مزدبگیرانی که خواهان حقوق صنفی خود بوده اند

اشاره کرد: مثلاً نپرداختن بموقع دستمزدها، تشدید استثمار و حمله به دستمزد و خدمات اجتماعی، زندانی کردن کارگر و معلم و پرستارانی که برای دریافت حقوق خود اعتراض و تظاهرات کرده اند، ضرب و شتم بازنشستگانی که صندوقهای آنها تاراج شده و در اعتراض مجبور به خیابان آمدن شده اند، کشتار انسانی که برای زنده ماندن به کولبری و سوختبری روی آورده اند، و لیست این نوع "تلاش" دولت و حکومت اسلامی طولانی است. اما اینها "دردسر"های دولت را حل نکرده چون در طول کل سال ۱۴۰۲ نیز مبارزه و اعتراض کارگران و مردم زحمتکش بطور مداوم ادامه داشته و این مبارزه تشدید هم خواهد شد.

ایران یک جامعه ثروتمند است که تحت حاکمیت

یک نظام سرمایه داری بشدت فاسد و جنایتکار
ضد انسان گرفتار است. حل مشکلات اقتصادی
و رفاهی مردم مطلقا معضل و مشغله حکومت
نیست. حتی بخش مهمی از تورم و گرانی موجود
محصول سیاستهای آگاهانه حکومت است که بدلیل
منفعتشان زندگی مردم را قربانی میکنند. هزینه
های گزافی که وجود اوباشانی از قبیل زندانبان و
حجابیان و شکنجه گر و پاسدار و بسیجی تا هزینه
نجومی دم و دستگاه گسترده مذهب و تبلیغات
اسلامی و سیستم جاسوسی و امنیتی صرف میشود،
را با هزینه جنگ نیابتی و تولید موشک و صنعت
اتمی و حجم گسترده و غیر قابل تصور اختلاسها و
دزدیهای سران حکومت و آیت الله ها و سرداران
سپاه را جمع کنید تا معلوم شود که پول نفت و کل
ثروت تولید شده توسط بخش کارکن جامعه در

اقتصاد این رژیم فاسد صرف چه میشود.

معضلات بحران اقتصادی در ایران نه فقط در جمهوری اسلامی بلکه در هیچ حکومتی مبتنی بر اقتصاد سرمایه داری قابل حل نیست. وضع گرانی و تورم و فشار اقتصادی ای که بر مزدبگیران جامعه تحمیل شده بدون شک در جمهوری اسلامی حتی قابل تخفیف نیست. رهائی از وضع موجود فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی و برپائی یک جمهوری سوسیالیستی ممکن است که برقراری آزادی و برابری و رفاه هدف آن است.

شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

۶ آوریل ۲۰۲۴

عفو بین الملل: زندان‌های ایران

محل کشتار جمعی است!

حسن صالحی

گزارش اخیر عفو بین الملل که به تاریخ ۱۶ فروردین ۱۴۰۳ انتشار یافت یکبار دیگر حقایق هولناک اعدام‌ها در ایران را در مقابل چشم جهانیان گذاشت. در سال گذشته میلادی، ۸۵۳ نفر در زندان‌های جمهوری اسلامی اعدام شدند که حداقل ۴۸۱ مورد از آنها با جرائم مواد مخدر مرتبط بودند. بر اساس این گزارش که "اجازه ندهید ما را بکشند" نام گرفته است، تعداد اعدام‌ها در سال ۲۰۲۳ بالاترین رقم ثبت شده از سال ۲۰۱۵ است.

البته باید دقت داشت که آمار سازمان‌های حقوق بشری از میزان اعدام‌ها در ایران حداقل آمار است. میزان اعدام‌ها در جمهوری اسلامی به مراتب بیشتر از آن است. حقیقتاً زندان‌ها در ایران به قتلگاه دسته‌جمعی شهروندان تبدیل شده‌اند. در این میان متهمین به جرائم مواد مخدر بیشتر از همه، قربانی قتل‌های جمعی جمهوری اسلامی هستند. جمهوری اسلامی با اعدام این بخش فقیر و آسیب‌دیده جامعه در ابعادی هولناک در پی سرکوب کل جامعه، خصوصاً به دنبال انقلاب زن زندگی آزادی است.

سؤال این است که در مقابل این اعدام‌های جنایت‌کارانه و هولناک چه می‌توان کرد؟ قبل از هر چیز سازمان ملل باید به همکاری خود با جمهوری

اسلامی در به اصطلاح مبارزه با مواد مخدر پایان دهد. این همکاری بدون آنکه ذره‌ای به اعدام افراد متهم به جرایم مواد مخدر اعتراض شود یک همدستی شرم‌آور با جمهوری اسلامی است. مضافاً اینکه همه می‌دانند که جمهوری اسلامی خود در تولید، توزیع و قاچاق مواد مخدر نقش دارد. در عین حال آمار بالای اعدام‌ها در ایران به عنوان جلوه‌ای از جنایات گسترده رژیم اسلامی علیه مردم، باید به انزوا و طرد بین‌المللی جمهوری اسلامی بینجامد. سیاستی که باید به دستگیری و دادگاهی کردن مقامات جمهوری اسلامی از سوی نهادهای بین‌المللی به دلیل ارتکاب به این جنایات گسترده منجر شود.

در ایران خوشبختانه خود زندانیانی که زیر تیغ

اعدام قرار دارند با اعتصاب در روزهای سه‌شنبه
پرچم‌دار این مبارزه شده‌اند. لازم است که این
اعتصاب زندانیان مورد حمایت همه ما قرار بگیرد.
اعدام‌های گسترده جمهوری اسلامی تک‌تک ما
را به مبارزهای وسیع و گسترده علیه این اعدام‌ها
فرامی‌خواند. این مبارزهای است برای خنثی کردن
سلاح سرکوب جامعه؛ این مبارزهای است برای
احقاق حق اعتراض و نقد؛ این مبارزهای است برای
صیانت از حرمت شهروندان؛ این مبارزهای است
برای نجات قربانیان نظام ضدانسانی کنونی؛ این
مبارزهای است برای زندگی. به این مبارزه پیوندید.

شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

۶ آوریل ۲۰۲۴

هنر، مبارزه، زندگی

سینا پدram

”کار ما نوعی مبارزه است؛ مبارزه برای به رسمیت شناختن خود و هنرتان در وهله اول و در وهله دوم، رسیدن به کرامت انسانی و یک زندگی معمولی که حقِ اولیه هر شهروند است.“

این حرف ”ابی“ گیتاریستی که در خیابان‌ها و کافه‌های تهران بیشتر از ده سالی است که گیتار می‌زند. مدرک مهندسی تکنولوژی جوشکاری دارد؛ ولی مدت‌ها با آموختن گیتار در سبک جیپسی و فلامینکو موزیک به حرفه وی تبدیل شده است.

”ابی“ از مشکلات هنرمند بودن در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی حرف‌های زیادی دارد. از محدودیت‌ها و مشکلاتی که لباس شخصی‌ها و مأموران رژیم و نهادهای حکومتی برای نوازندگان و هنرمندان ”خیابان“ ایجاد می‌کنند. او حتی از پرونده‌سازی بر علیه او و بندشان می‌گوید.

به گفته او ”یک‌بار برای ما پرونده درست کردند در خیابان وزرا؛ همان جایی که مهسا امینی کشته شد. جرم ما این بود که عده‌ای از مردم به‌دور ما جمع شده بودند تا از موسیقی لذت ببرند، جرم ما این بود که مردم را در یک لذت مشترک سهیم کرده بودیم و به آنها اندکی شادی هدیه داده بودیم. بابت این فعلِ به قول آنها حرام، برای ما

پرونده‌سازی کردند.“

این شرح فقط گوشه‌ای از زندگی و تلاش مردم در ایران برای داشتن آن چیزی که به آن علاقه دارند و به آن عشق می‌ورزند، شرح و بیان پشتکار، تلاش، مقاومت و مبارزه مردمی است که با حکومت و حکومتیان قرن‌ها فاصله دارند. دره‌ای عمیق مابین دنیای اسلامی و دنیای مردم ایران هست. مردمی “عادی” که “خارق‌العاده” هستند، چرا که زندگی روزمره‌شان در تناقض و ضدیت با تمامی قوانین حکومتی و بنیادهای مذهبی - اسلامی این حضرات است؛ مردمی که عدالت اقتصادی و اجتماعی و برابری و آزادی خواست دیرینه همه آنها، و منزلت، معیشت و کرامت انسانی شعار انقلابشان است.

موسیقی، فیلم، نقاشی و دیگر پدیده‌های هنری بخشی از زندگی است و از این رو تعطیل‌پذیر نیست. با حکم حکومتی و سانسور نابود نمی‌شوند و از میدان به در نمی‌رود. هنر در ایران بخشی از مبارزه مردم نیز هست. از شعارنویسی و گرافیتی تا آوازه‌خوانی و نمایش‌ها خیابانی. در کمتر جایی هنر زندگی و زندگی هنری این چنین درهم آمیخته شده‌اند. چرا که رژیم حاکم در تضاد و تقابل با هر دو، یعنی زندگی و هنر است.

شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

۶ آوریل ۲۰۲۴

کبوترهای زندان

یاشار سهندی

امیر نصر آزادنی، فوتبالیستی که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی در اصفهان بازداشت و تا پای اعدام رفت، به خاطر فشار اعتراضات نتوانستند جانش را بگیرند، محکوم به ۲۶ سال زندان شده است. او چند روزی است به خاطر فرستادن پیامی نوروزی به افرادی منتقل شده و در اعتراض دست به اعتصاب غذا زده است. توماج صالحی از زندان متنی در حمایت از امیر نصر آزادنی منتشر کرده است. توماج می‌توانست سکوت کند وقتی خود اسیر کسانی است که از شکنجه کردن لذت می‌برند. هیچ کس هم به او ایراد نمی‌گرفت. توماج در بخشی

از پیام حمایتی نوشته است: ”وقتی بعد از سه روز انفرادی و یک ماه حبس توی بند قرنطینه به بند شاغلین که تحت بیشترین تسلط حفاظت اطلاعاته منتقل شدم، امیر دونه دونه رفت پیش قدیمی‌های بند و بهشون گفت: ”کاری که با من کردید رو با توماج نکنید، نذارید زندانی بودنتون باعث بشه که فراموش کنید شما هم انسانید.“ کاری که سال گذشته با امیر کرده بودن، منزوی کردنش بود، به دستور حفاظت اطلاعات زندان. امروز دومین روز اعتصاب‌غذا و انتقال امیر نصر به انفرادیه، ما با هر درود و بدرودمون یادش می‌کنیم و نمی‌ذاریم بیش از این صدای اون رو خفه کند.“ توماج لازم دید اینها را بنویسد تا از شرافت و انسانیت امیر نصر گفته باشد.

بارها و بارها در تمام یک قرن گذشته تاریخ ایران از مقاومت و مبارزه و حماسه‌سازی زندانیان سیاسی خواندیم و شنیدیم. اما همه شنیدنی‌ها و گفتنی‌ها معمولاً خاطرهای است که نقل می‌شود. اما اکنون در بطن انقلاب زن زندگی آزادی به مدد وسایل ارتباطی مدرن زندانی سیاسی دیگر تنها مسئله خانواده و یارانش نیست، بلکه مسئله همه است.

سپیده قلیان نیز در اعتراض به تبعید سعید مدنی و نیز در اعتراض به حکم "تفی بلد" خودش که در زندان اوین محبوس است، خواستار این است که به زندان اهواز منتقل شود تا خانواده‌اش مجبور نباشند هر بار مسیر طولانی را برای ملاقات با او طی کنند،

دست به اعتصاب‌غذا زده است؛ و نیز زندانیان سیاسی دیگر که هر بار، هر کدامشان مورد آزار و اذیت تازه‌ای قرار می‌گیرند به حمایت از همدیگر، یا بیانیه می‌دهند یا دست به اعتصاب‌غذا می‌زنند، از زندانی سیاسی و فعالیت سیاسی تصویری دیگر می‌دهند و اعلام می‌کنند زندان جای برای درهم شکستن معترضان نیست.

کبوتر همیشه نماد و مبشر رهایی و آزادی بوده و توماج پیامش را با امضای ”کبوترهای زندان دستگرد“ منتشر کرده است.

شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

۶ آوریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای

ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال